

## گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان

سیدحمده‌اله اکوانی\*

E-mail: h\_akvani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۹/۱۲

### چکیده

مقاله میزان گرایش به هویت ملی و قومی عرب‌های خوزستان را بررسی می‌کند. تمام عرب‌های بالای هجده سال و دست‌کم دیپلم هفت شهر اهوان، آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، شادگان، ملاثانی و اروندکنار جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. فرضیه اصلی تحقیق این است که عرب‌های خوزستان به هویت ملی و قومی گرایش فراوانی دارند. وضعیت اقتصادی و میزان همگرایی افراد افزایش می‌یابد گرایش آنان به عناصر هویت ایرانی و اسلامی نیز زیاد می‌شود. برای بخش گرایش به هویت ملی، مؤلفه‌های تعلق سرزمینی، تعلق به ملت، اعتماد به مسئولان و دستگاه اجرایی (دولت) و زبان فارسی در نظر گرفته شده است. هویت قومی نیز براساس دو شاخص «آداب و رسوم فرهنگی» و «زبان محلی» سنجش شده است. در این پژوهش ضریب همبستگی «درآمد اقتصادی» و عناصر هویت ملی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد عرب‌ها نه تنها گرایش بسیاری به هویت ایرانی و اسلامی دارند، بلکه به هویت قومی خود نیز علاقه دارند و علاقه به هویت قومی آنان باعث کاهش گرایش به هویت ملی نمی‌شود. ضمن آنکه منشأ برخی ناهمگرایی‌ها را باید در بررسی شاخص‌های عینی، همچون مشکلات اقتصادی و اجتماعی و به تبع آن «احساس محرومیت نسبی» جست نه در مؤلفه‌های ذهنی و تمایزگرایانه.

**کلیدواژه‌ها:** هویت ملی، هویت قومی، همگرایی ملی، محرومیت نسبی، عرب‌های خوزستان.

### مقدمه

ایران، کشوری با تنوع فرهنگی است و ساکنان آن به‌رغم اشتراکات فراوان فرهنگی و اجتماعی و تعلقات فراقومی و فرازبانی، همواره تعلقات فروملی و مبتنی بر عشیره، طایفه، ایل و قومیت نیز داشته‌اند و هر کدام سطوحی از «هویت» جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهد. سرزمین ایران در مقوله تنوع زبانی و قومی با ۲۴ درصد همانندی در این زمینه رتبه شانزدهم را در جهان دارد (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۲۰). در تحولات تاریخ معاصر ایران گاه این ناهمانندی‌ها، دستمایه حرکت‌های واگرایانه قرار گرفته و گذشته از اثرگذاری عواملی فراملی و خارجی در بروز یا تشدید گرایش‌های قوم‌گرایانه، نخبگان قومی نیز سعی در «پررنگ کردن خطوط تمایز قومی و زبانی» و تزریق نوعی «خودآگاهی جمعی» در مناطق قومی داشته‌اند. (نبوی، ۱۳۸۳: ۴۸۱) از جمله این مناطق، مناطق عرب‌نشین خوزستان است که در نودسال گذشته چندبار دستخوش تحولات و ناآرامی‌هایی قوم‌گرایانه شده است (تاجیک، ۱۳۸۰: ۸۷) (۱).

برخی دیدگاه‌ها چنین رویدادهایی را با رویکرد «هویت‌جویی» نگریسته و بر این نکته تمرکز کرده‌اند که اساساً تمایل به مؤلفه‌های فرهنگ قومی، مانند زبان و گویش و برخی آداب و رسوم مغایر با گرایش به هویت ملی است و حرکت‌های مناطق قومی نیز هدفی جز کسب هویتی مستقل از هویت ملی ندارد. در مقابل این رویکرد «ذهنگرا»، برخی دیگر بر این باورند تمایل به هویت ملی با برخی تمایلات فروملی، نظیر گویش و آداب و رسوم مغایر نیست و نباید هر رویدادی یا اعتراضی را به مسئله این دو سطح از هویت ارتقا داد. به عبارت دیگر، هویت قومی در طول هویت ملی قابل تعریف است و در تحلیل و تبیین علت برخی تحولات در مناطق قومی باید از رویکردهای «عینی» بهره گرفت نه رویکردهای هویت‌جویانه و ذهنی.

این نوشتار البته در صدد پرداختن به نظرگاه‌های مختلف و نیز علل و عوامل بروز تحولات قومی نیست، بلکه تلاش می‌کند به این سؤالات پاسخ دهد که در شرایط کنونی «هویت قومی عرب‌های خوزستان» چه نسبتی با هویت ملی ایرانی دارد؟ آیا عرب‌های خوزستان هویت خود را در مقابل هویت ملی تعریف می‌کنند یا آن را در بستر هویت ملی و در تعامل با آن می‌دانند؟ کدام رویکرد یا رویکردها می‌تواند توضیح‌دهنده برخی تفاوت‌های احتمالی سطوح هویت ملی و قومی در میان عرب‌های ایرانی باشد؟

### هویت ملی ایرانی و شاخصه‌های آن

هویت، شناختی است که مردم از خود دارند و خود را با دیگران متمایز می‌کنند (زاهد،

۱۳۸۴: ۱۳۱) و هویت ملی ارتقای این شناخت از فرد، گروه و قبیله و هر اجتماع فروملی به جامعه ملی و احساس تعلق به «عناصر و نمادهای مشترک ملی (کل جامعه) و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی است.» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷) در هویت ملی سؤال از این است که فرد خودش را عضو کدام واحد سیاسی می‌داند. مسئله این است که افرادی که از لحاظ فیزیکی در یک واحد جغرافیایی و نظام حکومتی خاص قرار دارند و مشمول قوانین حاکم بر آن هستند آیا به لحاظ روانی هم خود را عضو این نظام سیاسی می‌دانند یا خیر؟ مهم‌ترین این عناصر که شکل دهنده هویت ملی‌اند شامل سرزمین، دین، دولت، زبان و ادبیات و آیین‌ها و مناسک است. در درون یک اجتماع ملی میزان تعلق و وفاداری اعضاء به هر یک از عناصر و نمادهای یادشده شدت احساس هویت ملی را مشخص می‌سازد. هویت ایرانی نیز دارای چنین عناصری است. اغلب محققان، جغرافیا و سرزمین، زبان فارسی و دین اسلام، ملت (اقوام ایرانی) و مدرنیته را عناصر اصلی هویت ملی ایرانی قلمداد کرده‌اند. در این پژوهش نیز به جز عنصر مدرنیته سایر شاخص‌ها برای سنجش میزان همگرایی عرب‌های خوزستان به هویت ملی موردنظر است.

### هویت قومی

هویت قومی نیز همانند هویت ملی نوعی شناخت از خود و تمایز با دیگران است. و به احساس وفاداری و افتخار به نمادهای قومی همچون زبان، مذهب، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی اطلاق می‌شود (یوسفی، ۱۳۷۲: ۲۰۳). در این نوع هویت، روابط عاطفی اعضاء بیشتر بوده و همگنی و یکدستی بیشتری نسبت به جامعه بر آن حاکم است. هویت قومی در مرتبه پایین‌تری هویت ملی قرار دارد (رضایی، و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۱). عرب‌ها هم همانند سایر اقوام ضمن اشتراکات فراوان با دیگر اقوام، برای خود برخی عناصر و آداب و رسوم فرهنگی دارند که افراد با آن‌ها خود را تعریف می‌کنند. زبان عربی، شعرخوانی جمعی، یزله، لباس‌های سنتی دشداشه، عگال و ...

### چارچوب نظری پژوهش

از دهه شصت به بعد، رویکردها و نظریه‌های مختلفی برای تبیین پدیده‌هایی، همچون همبستگی ملی، هویت ملی، واگرایی قومی و ناسیونالیسم وارد مطالعات قومی شده است. این رویکردها و نظریات را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. به عبارت دیگر پاسخ رویکردها و نظریه‌های مختلف مطالعات قومی و ناسیونالیسم را به این سؤال «که

علل و عوامل بروز حرکت‌های واگرایانه و اعتراضات قومی کدام‌اند» می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول نظریات که به نقش عوامل «ذهنی<sup>۱</sup> و هویت‌محور» در بروز ناآرامی‌ها، جنبش‌ها و بحران‌های قومی تأکید می‌کنند و دسته دوم که بر عوامل «عینی»<sup>۲</sup> تمرکز دارند (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۹۳). از دید راتچالد و شایخ‌لین عوامل ذهنی همان چیزهایی است که منشأ آن در هویت‌خواهی جامعه قومی است؛ به این معنا که مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی و ایدئولوژیک موجب تمایل جمعی یک قوم برای احیای هویت، نمادهای فرهنگی و منزلت خود در مقابل دیگری می‌شود. این دسته از نظریات هویت قومی و ملی را نه سطوحی قابل جمع از هویت، بلکه کاملاً در تعارض همدیگر و غیرقابل جمع قلمداد می‌نمایند. دسته دوم برعکس، بر عوامل عمدتاً اقتصادی و اجتماعی عینی و مشاهده‌پذیر به‌عنوان علت سطوح مختلف واگرایی قومی تمرکز کرده‌اند؛ برای مثال عینی‌گرایان تبعیض در قوانین و برنامه‌ها، حق مالکیت، حقوق مدنی و توزیع منابع و امکانات را عواملی می‌دانند که موجب نارضایتی یا ناهمگرایی یک گروه قومی با هویت ملی می‌شود (امیراحمدی، ۱۳۷۷: ۲۹). با این مقدمه، سه دسته از مهم‌ترین نظریاتی را که هر کدام بر یکی یا هر دوی این عوامل تأکید می‌کنند به‌اختصار توضیح می‌دهیم و سپس چارچوب نظری و فرضیه پژوهش را مطرح می‌کنیم.

### ۱. ابزارانگاران

رویکرد ابزارانگاری یا نخبگان از دیدگاه‌های پل آر براس نشئت گرفته است. به‌طور کلی، ابزارانگاری معتقد است «هویت ملی و قومی وسیله منطفی در دست گروه‌های نخبه رقیب‌اند تا در مبارزه بر سر قدرت، ثروت و اعتبار حمایت توده‌ها را به دست آورند.» (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۳۷) به‌بیان دیگر، نخبگان قومی به تعریف و بازتعریف عناصر و مبانی هویت قومی به‌گونه‌ای می‌پردازند که قدرت بسیج آنان را افزایش داده، به‌نحوی که قدرت چانه‌زنی‌شان در مقابل نخبگان حاکم افزایش یابد. به نظر پل براس «نخبگان قومی نه تنها با استفاده از میراث فرهنگی گروه هویت قومی متمایزی می‌سازند، بلکه در رقابت برای کسب قدرت سیاسی، بین گروه‌های قومی شکاف نیز ایجاد می‌کنند.» (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۶) براس همچنین تأکید می‌کند نخبگان قومی برای دستیابی به برخی منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، با بهره‌گیری از احساسات قومی دست به تحریک اعضای گروه‌های قومی می‌زنند و این اقدام از

1. Subjective

2. Objective

طریق کانال‌هایی، نظیر رسانه‌ها انجام می‌شود. در صورتی که این کانال‌های ارتباطی در اختیار برگزیدگان اقوام نباشد، فرایند بسیج قومی و تشدید قوم‌گرایی از جانب آنان ناکام خواهد ماند (رضایی، و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۳). به‌طور خلاصه باید گفت در نظر ابزارانگاران به این موضوع تأکید می‌شود که خلق مسائل قومی، مثل جدایی یا خودمختاری توسط نخبگان و حمایتشان از این خواسته‌ها حاکی از اعتقاد صادقانه آن‌ها به مسائل و مشکلات گروه‌های قومی نیست، بلکه استراتژی ابزارگرایانه در خدمت تحقق منافع و اهداف سیاسی این نخبگان است (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

## ۲. نظریه محرومیت نسبی<sup>۱</sup>

نظریه محرومیت نسبی برای تشریح خشونت‌ها، ناآرامی‌ها و بحران‌های قومی در مطالعات اجتماعی کاربرد زیادی دارد. این نظریه بیشتر به عوامل عینی در جایگاه منشأ چنین واگرایی‌های قومی نظر دارد. براساس این رویکرد، نارضایتی و شورش قومی هنگامی صورت می‌گیرد که مردم به این نتیجه برسند که کمتر از آنچه حقشان است دریافت می‌کنند. به نظر تدرابرت‌گر محرومیت نسبی (اعم از فردی یا جمعی) نتیجه احساس وجود شکاف غیرقابل تحمل میان توقعات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰۴). الیورت ارنسون نیز تأکید می‌کند: «انقلاب‌ها و شورش‌ها توسط مردم محروم آغاز نمی‌شود، بلکه توسط مردمی آغاز می‌شود که تازه سر بلند کرده‌اند و با مقایسه وضعیت خود و دیگران متوجه بی‌عدالتی‌های حاکم بر شرایط زندگی خود می‌شوند.» (همان)

البته طبیعی است احساس محرومیت می‌تواند در عمل و به‌صورت واقعی وجود نداشته باشد. «رانی» و «هوندستین» هم در دیدگاهی مشابه و مکمل، نظریه «محرومیت نسبی و نسبت دادن»<sup>۲</sup> را برای توضیح چرایی وقوع ناآرامی‌ها و منازعات قومی واگرایانه مطرح کرده‌اند. مطابق این دیدگاه، در صورت کمیابی و محدودیت منابع مورد رقابت افراد و گروه‌های اجتماعی، چنانچه فرد یا گروهی ادراک کند و ببیند که دیگران (افراد یا گروه‌های دیگر) بدان دست یافته‌اند، در حالی که او نیز به آن میل داشته، اما امکان به‌دست آوردن آن را نداشته باشد، احساس بی‌عدالتی یا محرومیت نسبی خواهد کرد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۴۴ و ۴۵). براساس نظریه «نسبت دادن» مشارکت‌کنندگان در موقعیت‌های خاص، بیشتر دلایل رفتار خود را به عوامل موقعیتی، از جمله رفتار دیگر شرکت‌کنندگان نسبت می‌دهند؛ حال آنکه دیگر مشاهده‌گران خارجی همان رفتار را به

1. Relative Deprivation Theory

2. Relative Deprivation & Attribution Theory

خصوصیات شخصی مشارکت‌کننده منسوب می‌کنند. هر دو دسته نظریات ابزارانگار و محرومیت نسبی به‌رغم افتراق در مبانی، در برخی از برون‌دادهای نهایی با هم اشتراک دارند. طرفداران بیشتر رویکردها و نظریات مطالعات قومی اساساً هویت‌های محلی، به‌ویژه هویت قومی را نه به‌مثابه عناصر مکمل و در طول هم بلکه «ناسازه‌ای» می‌دانند که قاعده بازی با حاصل جمع جبری صفر بر آنها حاکم است. از این زاویه، برآیند کنش و واکنش سطوح هویت قومی و ملی به سوی این است که بر اثر تحولات مختلف، روبه‌واگرایی می‌نهند و هویت‌های قومی به سوی شکل‌گیری نیرویی حرکت می‌کنند که خواهان تشکیل دولتی مستقل است (امیراحمدی، ۱۳۷۱: ۲۶). برخلاف چنین رویکردهایی، رویکرد چرخه محرومیت اگرچه بسیاری از مبانی رویکردهای عینی‌گرایی را در خود دارد، از همین دو نظر با دیگر رویکردها، به‌ویژه رویکردهای مشتق از نظریه‌های هویت‌جویی متفاوت است. این رویکرد، هویت‌های ملی و قومی را نه به‌مثابه «ناسازه»، بلکه به‌مثابه «عناصر و اجزای طبیعی» جوامع می‌داند؛ اگرچه دولت یا نظام سیاسی بر اثر برخی فعالیت‌ها ممکن است در تشدید تعارض این دو سطح هویتی نقش داشته باشد، این نقش را نباید عامدانه قلمداد کرد. این پژوهش با توجه به همین زاویه نگاه جدید، رویکرد چرخه محرومیت را واجد برتری نسبی، برای تبیین رابطه هویت ملی و قومی و تبیین‌کننده برخی ناهمگرایی‌های احتمالی بین برخی شاخص‌های این دو در سطح هویتی می‌داند.

### ۳. نظریه چرخه محرومیت

نظریه چرخه محرومیت اگرچه تفسیری دیگر از نظریات روانشناختی و جامعه‌شناختی مطالعات قومی است، به‌دلیل آنکه منشأ بروز احساس محرومیت را نیز مورد توجه قرار می‌دهد، از این دسته از نظریات متمایز می‌شود. براساس این نظریه، به‌طور کلی شکل‌گیری و تشدید پدیده محرومیت در سطح فرد، گروه و جامعه، با تأکید بر متغیرهای اقتصادی قابل طرح است. اما محرومیت اقتصادی خود می‌تواند به «شکل‌گیری یا تشدید محرومیت کمک کند و سطوح مختلفی داشته باشد و تفاوت در سطوح هم می‌تواند به طیف مختلفی از کنش‌های مسالمت‌جویانه یا منازعه‌گرایانه منجر شود. طرفداران این نظریه، محرومیت را به صورت زیر بیان می‌کنند:

#### ۳-۱. محرومیت درون‌زا

شرایطی است که در آن، فرد یا جامعه به‌دلیل برخوردار نبودن از استعدادها یا منابع و شرایط لازم در دسترسی و بهره‌مندی از برخی مواهب، دچار محدودیت‌هایی شده،

به واسطه این امر در محرومیت قرار می‌گیرد. نکته بارز در این خصوص آن است که در شکل‌گیری این نوع محرومیت عامل خارجی دخالتی ندارد (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۸۳).

### ۲-۳. محرومیت برون‌زا

شرایطی است که در آن، فرد یا جامعه به دلیل برخی اقدامات، سیاست‌ها و تصمیمات از ناحیه عامل خارجی (فرد، گروه، دولت یا جامعه، حوادث و...) از دسترسی و بهره‌مندی از مواهب، منابع و عایدات ناشی از توسعه محروم می‌شود. عوامل برون‌زا خود به دو دسته عوامل برون‌زای عامدانه و غیرعامدانه تقسیم می‌شوند؛ برای مثال جنگ و حمله خارجی و متوقف شدن برنامه‌های توسعه یک منطقه عوامل برون‌زای عامدانه، و یا برنامه‌ریزی نادرست برای توسعه یا ناکارآمدی مسئولان و جریان نامناسب برنامه‌های توسعه از عوامل برون‌زای غیرعامدانه است که منجر به احساس محرومیت در ساکنان یک منطقه و بالتبع گروه‌های قومی می‌شود. توضیح مهم اینکه براساس این نظریه، حرکت این عامل خارجی و تأثیر آن بر تحولات توسعه یک منطقه به شکل چرخه عمل می‌کند؛ به این معنا که برای مثال حمله خارجی موجب متوقف شدن برنامه‌های توسعه یک منطقه می‌شود و این خود در طولانی‌مدت بر فرایند توسعه اثر می‌گذارد. در این فرایند نیز، به‌ویژه شاخص‌های توسعه انسانی آسیب می‌بینند و پایین آمدن شاخص‌های توسعه انسانی نیز خود آغازگر چرخه منفی دیگری در مسیر توسعه و بهره‌مندی مردم از امکانات است این چرخه منفی به اشکال گوناگون ادامه می‌یابد و حاصل آن احساس محرومیت و چرخه مداوم محرومیت است. از دیدگاه طرفداران این رویکرد، توقف این چرخه نیازمند مداخله مؤثر دولت است. دولت براساس وظیفه معمول باید از راه تخصیص و توزیع دوباره منابع و مداخله مؤثر، این چرخه را متوقف کند و از بین ببرد. به عبارت دیگر، سیاست‌ها و تصمیمات در مدیریت منابع بیشترین تأثیر را در [تشدید و یا حذف] چرخه محرومیت می‌تواند ایفا کند (صالحی‌امیری: ۱۳۸۵: ۸۴). نظریات «محرومیت نسبی»، «محرومیت نسبی و نسبت دادن» و «چرخه محرومیت» قابلیت توضیحی مناسبی برای تحولات چندسال گذشته استان خوزستان دارد. استان خوزستان در سال ۱۳۵۶ به لحاظ شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی رتبه دوم کشور را داشته است و در شمار استان‌های توسعه‌یافته کشور محسوب می‌شده است؛ در حالی که در سال ۱۳۶۵ با دوازده رتبه تنزل، در شمار استان‌های توسعه‌نیافته قرار گرفت و ده سال بعد، یعنی در سال ۱۳۷۵ نه تنها تحولی در شاخص‌های توسعه این

استان ایجاد نشد، بلکه دو رتبه دیگر نیز در شاخص‌های توسعه این استان تنزل مشاهده می‌شود (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۲۷۲ و ۲۷۳).

جدول شماره ۱: شاخص‌های منتخب اجتماعی - اقتصادی: ۱۳۸۲\*

استان	باسوادی <sup>(۱)</sup> (درصد)	میزان اشتغال <sup>(۲)</sup> (درصد)	میزان بیکاری <sup>(۳)</sup> (درصد)
کل کشور	۷۹/۵	۸۸/۷	۱۱/۳
آذربایجان شرقی	۷۵/۴	۹۴/۳	۵/۷
آذربایجان غربی	۶۹/۰	۸۹/۱	۱۰/۹
اردبیل	۷۳/۳	۸۹/۴	۱۰/۶
اصفهان	۸۴/۷	۹۰/۷	۹/۳
ایلام	۷۶/۷	۸۷/۴	۱۲/۶
بوشهر	۸۰/۶	۹۰/۷	۹/۳
تهران	۸۸/۰	۸۸/۶	۱۱/۴
چهارمحال و بختیاری	۷۷/۰	۸۴/۰	۶۱/۰
خراسان	۸۰/۹	۹۱/۴	۸/۶
خوزستان	۷۶/۹	۸۲/۷	۱۷/۳
زنجان	۷۴/۸	۹۰/۲	۹/۸
سمنان	۸۴/۵	۸۹/۸	۱۰/۲
سیستان و بلوچستان	۵۷/۳	۸۰/۸	۱۹/۲
فارس	۸۱/۸	۸۷/۰	۱۳/۰
قزوین	۰۰۰	۹۲/۳	۷/۷
قم	۸۱/۹	۹۲/۰	۸/۰
کردستان	۶۸/۳	۸۱/۳	۱۸/۷
کرمان	۷۸/۲	۹۲/۲	۸/۸
کرمانشاه	۷۶/۶	۸۶/۵	۱۳/۵
کهگیلویه و بویراحمد	۷۵/۵	۸۷/۶	۱۲/۴
گلستان	۰۰۰	۸۷/۳	۱۲/۷
گیلان	۷۹/۲	۹۰/۴	۹/۶
لرستان	۷۴/۸	۸۱/۵	۱۸/۵
مازندران	۷۹/۵	۹۱/۷	۸/۳
مرکزی	۷۹/۳	۹۱/۰	۹/۰
هرمزگان	۷۲/۸	۸۶/۹	۱۳/۱
همدان	۷۷/۳	۸۵/۲	۱۴/۸
یزد	۸۳/۶	۸۳/۶	۱۶/۴

۱. سرشماری آبان ۱۳۷۵. ۲. طرح اشتغال و بیکاری بهمن ماه ۱۳۸۲. \* ماخذ: مرکز آمار ایران، پایگاه درگاه ملی.



چنان‌که جدول شماره یک نشان می‌دهد، دو شاخص مهم توسعه اقتصادی و اجتماعی خوزستان تغییر مثبتی نداشته است. در تشریح عوامل این کندی تغییرات، می‌توان از نظریه چرخه محرومیت برون‌زا بهره گرفت. جنگ تحمیلی به‌عنوان یک «رویداد» و عامل برون‌زای خارجی روند توسعه این منطقه را متوقف کرد. پس از آن نیز به‌نظر می‌رسد سیاست‌های توسعه در جایگاه عامل برون‌زای داخلی نتوانسته است مداخله‌ای مؤثر و مثبت برای متوقف کردن چرخه محرومیت داشته باشد. در این شرایط عرب‌های خوزستان بین «انتظارات» و «دستاوردهای» خود شکافی روبه‌تزايد احساس کرده است و خود را با دیگران (مردم سایر مناطق کشور، مردم کشورهای عربی همسایه) مقایسه می‌کند. امتداد برون‌مرزی این قوم به‌لحاظ فرهنگی، زبانی، فعالیت نخبگان قومی و رسانه‌های عربی قومگرا شرایط عینی را دستمایه فعالیت خود قرار داده؛ بر ارتقای خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی به تقاضاهای هویتی تمرکز کردند. نخبگان قومگرا با دستمایه قرار دادن این شرایط با ابزارهای رسانه‌ای به گفته احمد اشرف «علاقه‌مند هستند هویت مستقلی برای خود داشته باشند.» (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۶۲) بدین ترتیب، شرایط عینی (جنگ و ناکارآمدی سیاست‌های توسعه) این بستر را فراهم کرد و موجب بروز احساس محرومیت بین عرب‌های خوزستان شد و نخبگان قومی نیز تلاش کردند با دستمایه قراردادن شرایط اقتصادی خوزستان این منطقه و البته عرب‌های آن را «در مقایسه با دیگر مناطق عقب‌نگه داشته شده معرفی کرده و تلاش کنند ساکنان آن نواحی را به دنبال خود بسیج کنند» (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

در این نوشتار، البته به‌دنبال سنجش میزان قابلیت توضیحی همه این نظریات نیستیم، بلکه قصد داریم میزان قابلیت توضیحی شاخص اصلی محرومیت (اقتصادی اجتماعی) را بر میزان گرایش به هویت بسنجیم و این فرضیات را بیازماییم:

۱. عرب‌های خوزستان به هویت ملی و قومی، هر دو، گرایش فراوانی دارد و این دو نه در تعارض با هم، بلکه هویت عرب‌های خوزستان در بستر هویت ملی ایرانی و اسلامی قابل تعریف است.

۲. بین درآمد افراد و میزان همگرایی به هویت ملی رابطه معنادار وجود دارد.

۳. در سطح افقی (بین عرب‌ها و دیگر اقوام) ناهمگرایی وجود ندارد.

۴. بین پایگاه اقتصادی فرد و میزان گرایش به عنصر دولت هویت ملی رابطه معنادار

وجود دارد.

### پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های مختلفی در مورد ساکنان عرب استان خوزستان صورت گرفته است. بخشی از این پژوهش‌ها رویکرد تاریخی و توصیفی داشته و برخی نیز مطالعات موردی بوده‌اند (۲).

جامعه آماری مطالعات موردی و پیمایشی صورت گرفته عمدتاً مردم مناطق مختلف کشور بوده و کمتر مطالعه موردی مجزایی در مورد عرب‌های خوزستان انجام شده است. ضمن آنکه در مطالعات صورت گرفته، بررسی دو سطح هویت محلی و ملی و سنجش میزان همبستگی دو سطح هویتی به عنوان سطوح طبیعی، و مکمل و همگرا کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش ضمن بهره‌مندی از نتایج پژوهش‌های انجام گرفته، تلاش شده است از نگاه جدیدی به موضوع پرداخته شود.

### پراکندگی جغرافیایی و منشأ تاریخی قوم عرب

اعراب در سراسر دنیا، قلمرو وسیعی از دو قاره آسیا و آفریقا را شامل می‌شوند و در ایران نیز در جنوب و جنوب غرب در بخش‌هایی از استان خوزستان ساکن‌اند. امیر احمدی عرب‌ها را کم‌جمعیت‌ترین قوم ایران و جمعیت آن‌ها را حدود دو درصد کل جمعیت ایران برآورد کرده است (امیراحمدی، ۱۳۷۷: ۳۲). برخی منابع، جمعیت عرب‌های خوزستان را بیش از این عنوان کرده‌اند (۳). تمرکز جمعیت عرب‌های خوزستان بیشتر در شهرستان‌های اهواز، آبادان، خرمشهر، شادگان و دشت آزادگان است. این استان از لحاظ طبیعی به دو ناحیه مشخص کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود که مناطق کوهستانی آن بیشتر محل سکونت لرها، بختیاری‌ها، بهبهانی‌ها و اعراب کمری (جبیلات) است و منطقه جلگه‌ای آن نیز محل سکونت اقوام و مردمان دزفولی، شوشتری، هندجانی و اعراب است (سیادت، ۱۳۷۴: ۹ و ۱۰).

اینکه عرب‌های خوزستان از چه زمانی در ایران سکونت پیدا کرده‌اند، اسناد تاریخی مسئله را روشن نمی‌سازد؛ اما این قوم همواره خود را جزء جدایی‌ناپذیر ملت ایران دانسته‌اند. کسروی می‌نویسد: «تا آنجا که یقین است و دلیل در دست است تاریخ هجرت تازیان به ایران را باید قرن‌ها پیش از اسلام و آغاز پادشاهی ساسانیان در نظر گرفت... از زمان ساسانیان یقین است که طوایفی از تازیان در گرمسیرهای ایران از خوزستان و بحرین و پارس و کرمان‌نشینان داشته‌اند.» (کسروی، ۱۳۳۵: ۹۸)

اسناد و نوشته‌های دیگر نیز حاکی از آن است که اعراب ساکن در ایران از اعرابی

هستند که سرزمین نخستین آن‌ها یمن و حجاز بوده است و همانند سایر قبایل و عشایر جهان به دلایل اقتصادی و جغرافیایی به سوی مناطق دیگر کوچ کرده‌اند (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۱۴۱). سیادت، مردم خوزستان را به دو دسته تقسیم می‌کند: نژادهای قدیم که پیش و بعد از آمدن آریایی‌ها در این سرزمین سکونت داشته‌اند و نژادهایی که بعد از آمدن آریایی‌ها و طی حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس به خوزستان کوچ کرده و با اقوام اولیه ممزوج شده‌اند. سیادت عرب‌ها را جزء گروه دوم می‌داند (سیادت، ۱۳۷۴: ۹۵-۹۰). به هر حال، از پنج هزار سال قبل تاکنون، طوایف و نژادهای گوناگون به خوزستان ایران وارد شدند و به مرور زمان ویژگی‌ها و اشتراکات فرهنگی و اجتماعی یافتند. اعراب، از جمله عرب‌های خوزستان در تحولات ایران نقش داشته‌اند؛ اقوام و طوایف گوناگونی که البته هر کدام در کنار تعلقات ملی، ویژگی‌ها و آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی خاص خود را نیز داشته‌اند.

### نژاد و زبان

عرب‌ها از نژاد سام (سامی) و دو دسته هستند. اعراب بائده یا قدیم و اعراب باقیه که شامل قحطانی و عدنانی است. عرب‌های خوزستان عدنانی هستند (سیادت، ۱۳۷۴: ۱۰۳). زبان مردم عرب خوزستان عربی است که البته طی سالیان گذشته زبان محاوره‌ای آنان کلمات فارسی بسیاری را به خود جذب کرده است و نوعی زبان محلی عربی شکل داده که می‌توان آن را عربی محلی خوزستان نامید. این زبان محلی میان بزرگسالان و نیز در شهرها و مناطقی که جمعیت عرب است بیشتر استفاده می‌شود؛ اما در دیگر مناطق و میان جوانان و نوجوانان زبان رسمی به کار می‌رود.

### ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی

ساخت اجتماعی زندگی عرب‌های خوزستان مبتنی بر طوایف است. بیش از یکصد طایفه عرب در خوزستان وجود دارد. بسیاری از عناوین طوایف، عشیره‌ها و قبیله‌های عرب خوزستان، القابی است که در نتیجه شجاعت و دلیری افراد عضو خود در جنگ‌ها کسب کرده‌اند. از گذشته تاکنون، به‌ویژه در زمان حاضر، بیشتر اسامی این طوایف دقیقاً با پیشوندها و پسوندهایی به جای نام‌خانوادگی مردم عرب خوزستان به کار می‌روند. عرب‌های خوزستان به‌لحاظ فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی با دیگر اقوام و عشایر ایران اشتراکات زیادی دارند، اما آنان برخی آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی

خاص نیز دارند. اعراب خوزستان تحت تأثیر شرایط اقلیمی و وجود بادهای «سموم» پیراهن و البسه بلند می‌پوشند. مردان دشداشته، چفیه و گاهی نیز عگال و زنان نیز عبا و روپوش‌های کامل با آستین باز به نام «ثوب» می‌پوشند. البته امروزه، بیشتر پوشش رسمی کشور در میان مردم عرب، به‌ویژه جوانان استفاده می‌شود.

اشعار و قصاید حماسی محلی در میان عرب‌های خوزستان جایگاهی خاص دارد و به مناسبت‌های گوناگون (ازدواج، سوگواری، جشن‌های مذهبی، بدرقه حجاج و...) سروده می‌شود. آیین سنتی یزله نیز به مناسبت‌های مختلف بین عرب‌ها رواج دارد و به اجرای آن که هم در شادی و هم در سوگواری کاربرد دارد، بسیار علاقه‌مندند. در کنار این عناصر فرهنگی، همبستگی‌های سببی و خویشاوندگرایی، مهمان‌نوازی، صداقت و وفای به عهد از دیگر ویژگی‌های فرهنگی آن‌ها است.

### دین و مذهب

تمام جمعیت عرب خوزستان، مسلمان و شیعه دوازده‌امامی‌اند. مذهب تشیع همواره عامل اساسی همبستگی آنان و نیز همگرایی با ایران طی قرون متمادی بوده است. تأثیر ارزش‌ها و آداب و سنن مذهبی بر مردم عرب خوزستان مشهور است و شعائر اسلامی، همانند عزاداری ماه‌های محرم و صفر جایگاه ویژه‌ای دارد. عید فطر عید اول عرب‌های خوزستان است و اعیاد دیگر، مثل نوروز یا عیدالربیع یا عیدالشجره مثل دیگر مناطق برگزار نمی‌شود؛ اگرچه بخش زیادی از مردم عرب هم عمیقاً آن را پذیرفته‌اند.

### جامعه آماری و جامعه نمونه

جامعه آماری این پژوهش تمامی شهروندان عرب بالای هجده سال و دست‌کم دیپلم شهرهای عرب‌نشین استان خوزستان از تمامی اقشار و گروه‌های صنفی و شغلی می‌باشد. در این پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۹۰ نفر به‌عنوان اندازه نمونه انتخاب شد (۴). در این پژوهش هفت شهر عرب‌نشین که در آن نسبت جمعیت عرب از غیرعرب بیشتر است، برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش به‌روش تصادفی ساده انتخاب شدند. نمونه آماری پژوهش را ۳۹۰ نفر (۱۳۵ زن) و (۲۵۵ مرد) عرب خوزستان سنین هجده تا شصت سال تشکیل داده است. در مجموع، ۴۱۵ پرسشنامه جمع‌آوری شد که ۳۹۰ مورد (متناسب با اندازه جامعه نمونه) سالم و معتبر بوده که مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول شماره ۲: توزیع پاسخگویان برحسب شهر محل سکونت

شهر محل سکونت	فراوانی	شهر محل سکونت	فراوانی
اهواز	۱۶۶	شادگان	۳۰
آبادان	۵۲	ملاثانی	۳۱
خرمشهر	۵۰	اروندکنار	۳۰
سوسنگرد	۳۱	جمع	۳۹۰

## روش تجزیه و تحلیل داده‌ها (۵)

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی، هر دو، استفاده شده است. برای توصیف متغیرها در محاسبه درصدها، توزیع فراوانی و میانگین استفاده شده است. برای بررسی ارتباط میان متغیرهایی که در سطح اسمی قرار دارند، از آزمون‌های آماری مجذور کای (خی دو - کای اسکور) و برای سنجش متغیرهایی که در سطح مقیاس ترتیبی بودند از آزمون‌های آماری گاما<sup>۱</sup> و کندال بهره برده شده است. همچنین از آزمون‌های آماری T-test برای گروه‌های مستقل و F-test استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS انجام گرفته است.

برای محاسبه روایی<sup>۲</sup> پرسشنامه، از روش سنجش محتوایی و صوری استفاده شد و نتایج آن نشان داد که سؤالات پرسشنامه معرف شاخص‌های مورد نظر است. برای تعیین پایایی<sup>۳</sup> نیز از روش‌های همبستگی و آلفای کرونباخ استفاده شد که در همه موارد نتایج معنادار تشخیص داده شد.

## ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی پاسخ‌گویان

## جنسیت

از مجموع پاسخگویان ۱۳۵ نفر (۳۴/۶ درصد) زن و ۲۵۵ نفر (۶۵/۴ درصد) مرد بوده‌اند.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخگویان برحسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
زن	۱۳۵	۳۴/۶
مرد	۲۵۵	۶۵/۴
جمع	۳۹۰	۱۰۰

1. Gamma

2. Validity

3. Reliability

**سن**

توزیع سنی پاسخگویان پژوهش، برحسب گروه‌های سنی از هجده تا شصت سال در چهار دسته تقسیم شده است.

جدول شماره ۴: توزیع پاسخگویان برحسب سن

گروه سنی	تعداد	درصد
۱۸-۲۴	۱۷۶	۴۵/۱
۲۵-۳۴	۱۳۱	۳۳/۶
۳۵-۴۴	۵۵	۱۴/۱
۴۵	۲۸	۷/۱۸
جمع	۳۹۰	۱۰۰

میانگین سن افراد ۲۷/۵۶ سال و بیشترین فراوانی مربوط به سن ۲۵ سال است. ۷۹/۵ درصد از افراد حداکثر ۳۴ سال سن دارند. به هر حال، تلاش شده از سنین مختلف پاسخگو وجود داشته باشد.

**وضع تأهل**

حدود نیمی از پاسخگویان پژوهش متأهل هستند. ۲۰۴ نفر مجرد و ۱۸۶ نفر متأهل‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع پاسخگویان برحسب وضع تأهل

وضع تأهل	فراوانی	درصد
متأهل	۱۸۶	۴۷/۷
مجرد	۲۰۴	۵۲/۳
جمع	۳۹۰	۱۰۰

**تحصیلات**

افراد مورد مطالعه از نظر تحصیلات در سطح مناسبی قرار دارند. چنانکه جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، ۴۲/۳ درصد از افراد دیپلم و ۳۳/۱ درصد لیسانس دارند. کمترین نسبت افراد در دوره کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند. بیشتر پاسخگویان زیرگروه علوم انسانی بوده‌اند.

جدول شماره ۶: توزیع پاسخگویان از نظر تحصیلات

تحصیلات	تعداد	درصد
دیپلم	۱۶۵	۴۲/۳
فوق دیپلم	۸۶	۲۲/۱

۳۲/۸	۱۲۸	لیسانس
۲/۸	۱۱	کارشناسی ارشد و بالاتر
۱۰۰	۳۹۰	جمع

### شغل

در این مطالعه، نسبت کارمندان دولت از سایر گروه‌های شغلی بیشتر است. پس از آن، مشاغل آزاد قرار دارند.

جدول شماره ۷: توزیع برحسب شغل

درصد	فراوانی	شغل
۳۲/۱	۱۲۵	کارمند دولت
۸/۷	۳۴	کارگر
۹	۳۵	بیکار
۱۸/۲	۷۱	دانشجو
۲۲/۶	۸۸	آزاد
۸/۷	۳۷	نامعلوم
۱۰۰	۳۹۰	جمع

### درآمد خانوار

یافته‌های نشان می‌دهد که ۶۶/۲ درصد از پاسخگویان میزان درآمد خود را در حد متوسط و سی نفر (۵/۷) نیز درآمد خود را زیاد و خیلی زیاد اعلام کرده‌اند.

جدول شماره ۸: توزیع پاسخگویان برحسب درآمد

مقدار	شاخص	درصد	فراوانی	میزان درآمد
۲/۷۸	میانگین	۵/۶	۲۲	خیلی کم
۳	میانه	۲۰/۵	۸۰	کم
۳	نما	۶۶/۲	۲۵۸	متوسط
۰/۷۳	انحراف معیار	۵/۴	۲۰	زیاد
۱	حداقل	۲/۳	۱۰	خیلی زیاد
۵	حداکثر	۱۰۰	۳۹۰	جمع

### طبقه اجتماعی

جدول ذیل نشان می‌دهد که ۶۶/۴ درصد از پاسخگویان طبقه خود را متوسط، ۲۶/۹ درصد از افراد طبقه خود را پایین و ۶/۷ درصد پاسخگویان طبقه خود را بالا اعلام کرده‌اند.

جدول شماره ۹: توزیع پاسخگویان برحسب طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۱۰۵	۲۶/۹
متوسط	۲۵۹	۶۶/۴
بالا	۲۶	۶/۷
جمع	۳۹۰	۱۰۰

### یافته‌های تحقیق

#### هویت ملی

برای سنجش هویت ملی، چهار مؤلفه در نظر گرفته شده است. سرزمین، زبان فارسی، همگرایی با سایر اقوام خوزستانی (سطح ملت) و رضایت از مسئولان و دستگاه‌های اجرایی (سطح دولت).

#### ۱. جغرافیا و سرزمین ایران

برای سنجش میزان گرایش پاسخ‌دهندگان به این عنصر هویت ملی، چهارگویه در نظر گرفته شد.

جدول شماره ۱-۹: توزیع پاسخگویان برحسب افتخار به ایرانی بودن

افتخار به ایرانی بودن	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۱۸۵	۴۸/۴
زیاد	۹۸	۲۵/۱
تا حدودی	۵۴	۱۳/۸
کم	۲۲	۵/۶
اصلاً	۳۱	۷/۹
جمع	۳۹۰	۱۰۰

۷۳/۵ درصد بسیار (به میزان خیلی زیاد و زیاد) به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. در مقابل، حدود ۷/۹ درصد به ایرانی بودن خود افتخار نمی‌کنند.

#### ۲. تعلق اسلامی - ایرانی

عرب‌های خوزستان مسلمان و شیعه و از سوی دیگر ایرانی هستند. برای سنجش سطح گرایش به این سه سطح عربی، اسلامی و ایرانی دوگویه گنجانده شد که ۷۸/۵ درصد،



گویه «من عرب ایرانی مسلمانم» را برگزیده‌اند. این نشان‌دهنده آن است که عرب‌های خوزستان، «عرب‌بودن» خود را در جغرافیای ایرانی - اسلامی تعریف می‌کنند. تنها ۲۱/۵ درصد عرب‌بودن خود را مقدم بر جغرافیای ایرانی - اسلامی شمرده‌اند. نتایج این گویه نیز نمودار همگرایی اعراب خوزستان با تعلق سرزمینی و دینی است.

جدول شماره ۲-۹: هویت ایرانی - اسلامی پاسخ‌گویان

گرایش	فراوانی	درصد
من یک عربم	۸۴	۲۱/۵
من یک عرب ایرانی مسلمانم	۳۰۶	۷۸/۵
جمع	۳۹۰	۱۰۰

### ۳. تعلق جغرافیایی

برای سنجش میزان تعلق به سطوح جغرافیایی ایران نیز از پاسخ‌گویان سؤال شد به کدام یک از مناطق «شهر خودتان»، «ایران»، «خوزستان»، «خاورمیانه»، «کشورهای عربی» تعلق خاطر دارید؟ حدود ۸۸ درصد سه گزینه اول را برگزیدند که با هم متناظرند.

جدول شماره ۳-۹: توزیع پاسخ‌گویان برحسب تعلق جغرافیایی

تعلق جغرافیایی	فراوانی	درصد
شهر خودم	۱۷۱	۴۷/۳۶
ایران	۱۰۳	۲۸/۵۳
خوزستان	۴۴	۱۲/۱۸
خاورمیانه	۲۲	۶/۳۷
کشورهای عربی	۱۵	۴/۱۵
جهان	۵	۱/۳۸
جمع	۳۹۰	۱۰۰

### ۴. آمادگی دفاع از سرزمین

شاخص دیگری از تعلق به جغرافیا و سرزمین ایران، آمادگی دفاع از ایران بوده است. ۸۶/۳۶ درصد پاسخ‌گویان گفته‌اند در صورت بروز تهدید آماده‌ایم از وطنمان دفاع کنیم. ۱۳/۴۶ درصد هم گفته‌اند سرنوشت ایران برایشان مهم نیست.

جدول شماره ۴-۹: توزیع پاسخ‌ها در مورد دفاع از ایران

درصد	فراوانی	نگرش به دفاع از ایران
۸۳/۳۶	۳۴۱	ایران وطن من است و در هر شرایطی از آن دفاع می‌کنم.
۱۳/۶۴	۴۹	بودن بود ایران برای من تفاوتی نمی‌کند
۱۰۰	۳۹۰	جمع

همان‌گونه که توزیع فراوانی و درصد گویه‌ها نشان می‌دهد در هر چهار شاخص ارزیابی گرایش به ایرانی بودن، اکثریت پاسخ‌دهندگان نگرش همسو و مثبت به این بعد از عناصر هویتی داشته‌اند. نتایج آزمون ضریب همبستگی تائوکندال هم نشان می‌دهد بین غرور ملی و میزان درآمد خانوارها رابطه مستقیم و معناداری در سطح آلفای  $P < 0/01$  وجود دارد. به این معنا که هر چه طبقه اجتماعی و درآمد افراد ارتقا می‌یابد، تمایل به افتخار و غرور به ایرانی بودن افزایش می‌یابد.

جدول ۵-۹: تحلیل واریانس غرور ملی برحسب طبقات اجتماعی و درآمد

متغیر	منبع واریانس	SS	df	MS	F	P
طبقه اجتماعی	بین گروهی	۵/۴۲	۲	۲/۷۱۳		
	درون گروهی	۳۲۲	۳۸۷		۳/۲۶۱	۰/۰۵
		۳۲۷/۴	۳۸۹	۰/۸۳۲		

#### ارتباطات میان فردی و گروهی (سطح ملت و هویت)

ارتباط میان فردی و میان گروهی یکی از شاخص‌های مهم سنجش همگرایی به هویت ملی است. در نتیجه تعامل چندصدساله در خوزستان بین عرب‌ها و سایر اقوام مشکل روابط اجتماعی دیده نمی‌شود. این نتیجه را از طریق به‌کارگیری مقیاس بوگاردوس به دست آورده‌ایم. این طیف برای سنجش فاصله اجتماعی، هنگامی به کار می‌رود که دو گروه مختلف با دو فرهنگ و زبان متفاوت کنار هم زندگی می‌کنند. در جدولی که شش گویه طراحی شده بود، پاسخ‌گویان عرب خوزستانی موافقت خود را درباره هر مقوله درخصوص غیرعرب‌ها مشخص کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد ۷۷/۳۸ درصد عرب‌ها موافقت چشمگیر و آمادگی مطلوبی برای ارتباط با غیرعرب‌ها و کاهش فاصله اجتماعی ابراز داشته‌اند. ۳۲۰/۸۷، نمره نهایی و کلی آمادگی برای ارتباط با غیرعرب‌ها را نشان می‌دهد. به این معنا که عرب‌ها پیش‌دآوری در مورد سایر اقوام ندارد و بنابراین فاصله اجتماعی چندانی نیز بین این گروه و سایر گروه‌های موجود در استان وجود

ندارد. در همه گویه‌هایی که برای سنجش آمادگی برای ارتباط با غیرعربها در نظر گرفته شده، درصد افرادی که گزینه‌های موافقم و کاملاً موافقم را انتخاب نموده‌اند از ۵۶/۹۲ درصد تا ۹۱/۵۳ درصد است (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۱۰: توزیع پاسخگویان برحسب فاصله اجتماعی با غیرعربها

پاسخ مثبت	جمع وزن یافته	درصد از مجموع پاسخها	تعداد	وزن سنجه‌ها	فاصله اجتماعی با غیرعربها
۹۱/۵۳	۱۹/۷۲	۱۹/۷۲	۳۵۷	۱	آمادگی برای برقراری رابطه دوستانه با غیرعربها
۹۱	۳۹/۲	۱۹/۶۰	۳۵۵	۲	آمادگی برای همسایگی با غیرعربها
۸۸/۴۶	۵۷	۱۹	۳۴۵	۳	آمادگی برای کار با غیرعربها
۷۱/۵۳	۶۱/۶	۱۵/۴۰	۲۷۹	۴	آمادگی برای صحبت کردن درمورد موضوعات سیاسی با غیرعربها
۶۴/۸۵	۶۹/۸۵	۱۳/۹۷	۲۵۳	۵	آمادگی برای برقراری روابط دوستانه با غیرعربها با وجود گرایش سیاسی مخالف
۵۶/۹۲	۷۳/۵	۱۲/۲۵	۲۲۲	۶	آمادگی برای کرایه دادن خانه به غیرعربها
۷۷/۳۸	۳۲۰/۸۷	۱۰۰	۱۸۱۱		مجموع

### همگرایی با عنصر دولت

مردم هر جامعه‌ای از مسئولان و نهادهای اداری و اجرایی توقع دارند خدمات مناسب و برابر به همه شهروندان ارائه دهند. بین میزان کارآمدی و مشروعیت دولت از نظر مردم رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. برای سنجش میزان رضایت اعراب خوزستان و همگرایی آنان با مسئولان اجرایی و دستگاه‌های اجرایی استان خوزستان که نماینده دولت محسوب می‌شوند، یازده گویه در نظر گرفته شد که بخشی از آن‌ها میزان رضایت از عملکرد دولت و برخی نیز احساس برابری از نظر سطح برخورداری از خدمات دولتی را می‌سنجد.

#### ۱. اعتماد به مسئولان استان

اعتماد مردم به مسئولان می‌تواند در تقویت رابطه دولت و مردم مؤثر باشد. این اعتماد همیشه می‌تواند منجر به گرایش هویتی مثبت و همگرا با هویت ملی شود. در این پژوهش، مقوله اعتمادیابی با مقوله‌هایی، همچون اعتماد به قول مسئولان، اعتماد به لیاقت مسئولان، اعتماد به موفقیت عملکرد مسئولان بررسی می‌شود.

توزیع فراوانی و درصدی نگرش جامعه نمونه نشان می‌دهد اعتماد به قول و عمل مسئولان استان خوزستان کم است. ۷۱/۹ درصد از پاسخ‌گویان عرب استان به میزان بسیاری (در حد مخالفم و کاملاً مخالفم) مخالفت خود را با گویه «اعتماد به قول و عمل مسئولان افزایش یافته است» نشان داده‌اند. ۶۶ درصد هم معتقدند مسئولان توانایی حل مشکلات استان را ندارند. جامعه نمونه به لیاقت و تخصص مسئولان هم اعتماد اندکی دارند، بالا بودن رقم مخالفت وجهی از ناهمگرایی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۱: توزیع پاسخگویان برحسب اعتماد به مسئولان

ردیف	کاملاً موافق		موافق		مخالف		کاملاً مخالف		موضوع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۳۹۰	۶/۴	۱۰۳	۲۶/۴	۱۶۹	۴۳/۳	۹۳	۲۸/۳	۲۴	اعتماد به قول و عمل مسئولان
۳۹۰	۱/۲	۹۵	۲۴/۴	۱۴۰	۳۵/۹	۱۱۹	۳۰/۵	۳۶	توانایی مسئولان در حل مشکلات مردم
۳۹۰	۷/۲	۹۸	۲۵/۱	۲۰۵	۵۲/۶	۵۹	۱۵/۱	۲۸	اعتماد به لیاقت و تخصص مسئولان

آزمون آماری خی دو نشانگر رابطه مستقیم سطح درآمد و میزان مخالفت با توانایی مسئولان است. ۶۸/۱۹ درصد پاسخگویی با سطح درآمد خیلی کم و ۵۷/۵ درصد از آنان با میزان درآمد کم، مخالفت خود را با «مردم به لیاقت و تخصص مسئولان استان اعتماد دارند» ابراز کرده‌اند. پاسخگویانی که درآمد خیلی کم و کم دارند، مخالفت بیشتری با احراز لیاقت و تخصص مسئولان استان اظهار داشته‌اند. هر چه درآمد افراد افزایش می‌یابد، از میزان مخالفت نیز کاسته می‌شود. بنابراین بین درآمد و اعتماد به مسئولان استان رابطه محکمی وجود دارد.

جدول شماره ۱۲: توزیع جامعه نمونه برحسب اعتماد به کارآمدی مسئولان و شاخص درآمد

آزمون آماری	کاملاً مخالف	مخالف	موافق	کاملاً موافق	اعتماد به لیاقت و کارآمدی مسئولان برای حل مشکلات
G = 0/22	۱۳/۴۶	۶۸/۱۹	۱۳/۶۴	۴/۵۴	خیلی کم
	۲۰	۵۷/۵	۱۷/۵	۵	کم
P = 0/01	۱۳/۱۹	۵۲/۷۲	۲۷/۵۲	۶/۵۹	متوسط
	۹/۵۳	۳۳/۳۳	۳۳/۳۳	۳۳/۸۰	زیاد
	۴۴/۴۴	۱۱/۱۱	۳۳/۳۳	۱۱/۱۱	خیلی زیاد

### ۲. احساس برابری در خدمات و رضایت از دستگاه‌های اجرایی

برای سنجش سطح اعتماد پاسخ‌گویان به دستگاه‌های اجرایی، سه‌گویه در پرسشنامه گنجانده شد. با گویه «در سازمان‌ها و ادارات دولتی فسادکاری وجود ندارد و صحت عمل در کارها رعایت می‌شود» ۸۲/۳ درصد مخالفت کرده‌اند؛ در حالی که حدود ۱۸ درصد موافق‌اند. همچنین درخصوص گویه «برای استخدام و اشتغال در استان، عرب و غیرعرب با هم برابرند»، ۶۰ درصد پاسخگویان مخالفت و ۴۰ درصد موافقت کرده‌اند. حدود ۶۶ درصد هم با گویه «سازمان‌های دولتی در برخورد با مردم تبعیض قایل می‌شوند»، موافق‌اند که نسبت بالایی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۳: توزیع پاسخگویان برحسب احساس تبعیض در بهره‌مندی از خدمات

موضوع	کاملاً موافق		موافق		مخالف		کاملاً مخالف	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
در سازمان‌ها و ادارات دولتی فسادکاری وجود ندارد.	۲/۸	۵۷	۱۴/۹	۱۷۶	۴۵/۱	۱۴۵	۳۷/۲	۳۸۹
برای استخدام و اشتغال در استان، عرب و غیرعرب زبان باهم برابر و یکسان‌اند.	۱۴/۱	۱۰۱	۲۵/۹	۱۳۷	۳۵/۱	۹۷	۲۴/۹	۳۹۰
سازمان‌های دولتی در برخورد با مردم تبعیض قائل می‌شوند.	۲۳/۶۲	۱۵۵	۴۰/۶۸	۹۹	۲۵/۹۸	۳۷	۹/۷۱	۳۸۱

### ۳. برابری اقتصادی

عرب‌های خوزستان انتظار دارند اوضاع اقتصادی استانی که در آن زندگی می‌کنند مناسب شود و آنان نیز از توسعه اقتصادی استان بهره‌مند شوند. حدود ۶۴ درصد از پاسخگویان عرب خوزستانی با گویه «وضعیت و جایگاه اقتصادی - اجتماعی مهاجران به استان بهتر از خوزستانی‌هاست»، موافقت نموده‌اند. همچنین گویه «بیشتر آشنایان من در این شهر از وضعیت اقتصادی خود راضی هستند»، پرسیده شده که بیش از ۵۲ درصد با این گویه مخالفت کرده‌اند. ۶۱ درصد پاسخگویان هم معتقدند بیشتر دوستانشان از درآمد خود راضی نیستند. گویه «خوزستانی نباید برای پیدا کردن شغل به استان‌های دیگر برود»، ۶۷/۷ درصد موافق و این گویه که «خوزستانی‌هایی که در

استان‌های دیگر زندگی می‌کنند، وضع اقتصادی - اجتماعی بهتری دارند»، ۵۰ درصد موافق دارد؛ در حالی که حدود ۱۷ درصد با این گویه مخالفت کرده‌اند. بنابراین، میانگین درصد مخالفت‌ها با وضعیت موجود اقتصادی حاکی از احساس نابرابری و محرومیت به لحاظ اقتصادی بین جامعه نمونه پاسخ‌دهنده است.

جدول شماره ۱۴: نگرش جامعه نمونه به وضعیت اقتصادی

موضوع	کاملاً موافق		موافق		نظری ندارم		مخالفم		کاملاً مخالفم	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
وضعیت و جایگاه اقتصادی و اجتماعی مهاجران شهر از خوزستانی‌هاست. بیشتر دوستان من در این شهر از شغل خود راضی هستند.	۳۸/۷	۱۵۱	۲۵/۴	۱۰۷	۲۷/۴	۲۲	۵/۶	۱۱	۲/۸	
بیشتر دوستان من از درآمد خود راضی هستند.	۳/۶	۱۴	۱۹/۵	۸۶	۲۲/۱	۱۵۰	۳۵/۸	۶۴	۱۶/۴	
خوزستانی نباید برای پیدا کردن شغل به استانهای دیگر برود. خوزستانی‌هایی که در دیگر استان‌ها زندگی می‌کنند وضع اقتصادی - اجتماعی بهتری دارند	۳/۶	۱۴	۱۳/۸	۸۴	۲۱/۵	۱۵۶	۴۰	۸۲	۲۱	
	۴۶/۷	۱۸۲	۲۱	۵۳	۱۳/۶	۳۶	۹/۲	۳۷	۹/۵	
	۲۲/۳	۸۷	۲۷/۷	۱۴۴	۳۶/۹	۳۲	۸/۲	۱۹	۴/۹	

### زبان فارسی

زبان فارسی، در جایگاه زبان رسمی کشور در بین عرب‌های خوزستان اهمیت زیادی دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ۷۳/۵ درصد از پاسخگویان، نظر مثبتی به زبان فارسی در مقام زبان ملی ایرانیان دارند و تنها ۷/۹ درصد کاملاً مخالف بوده‌اند. همچنین بیش از ۶۲ درصد با این گویه که «موسیقی فارسی را همانند موسیقی عربی دوست

دارم» موافق و ۶۵/۵ درصد هم با گویه «برای پی‌گیری کارهایشان در ادارات و نهادها به زبان فارسی صحبت می‌کنند و با آن راحت هستند» موافق بوده‌اند. در عین حال که بیشتر جامعه نمونه در منازل و خانواده‌ها به زبان عربی صحبت می‌کنند. از طرف دیگر تکلم به زبان فارسی در حدود ۴۰ درصد از جمعیت در خانواده‌ها به نسبت‌های متفاوت نشان از حضور زبان ملی در خانواده‌های عرب خوزستان دارد. با مراجعه به جدول زیر می‌توان گفت در خصوص این مؤلفه نیز توزیع فراوانی و درصدی نشان از تمایل فراوان عرب‌های خوزستان به این عنصر هویت ملی دارد. تنها مؤلفه‌ای که در میان سایر مؤلفه‌ها کمترین درصد را کسب کرده تکلم با اعضای خانواده است که حدود ۷۰ درصد گفته‌اند در میان اعضای خانواده به زبان محلی صحبت می‌کنند.

جدول شماره ۱۵: میزان موافقت با زبان ملی

جمع	اصلاً	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میزان موافقت
						گویه
۱۰۰	۷/۹	۵/۶	۱۳/۸	۲۵/۱	۴۸/۴	زبان فارسی زبان ملی همه ایرانیان است.
۱۰۰	۱۳/۳۳	۱۲/۸۱	۱۱/۶۲	۳۶/۵۱	۲۵/۷	موسیقی زبان فارسی را همانند موسیقی به زبان عربی دوست دارم.
۱۰۰	۳۱/۱	۲۹/۲	۱۳/۵	۱۲/۲	۱۳/۸	با اعضای خانواده فارسی صحبت می‌کنم.
۱۰۰	۸/۳	۵/۲	۲۱/۸	۳۷/۱	۳۸/۴	برای پی‌گیری کارهایم در ادارات به زبان فارسی راحت هستم.

### هویت قومی

برای سنجش میزان گرایش به هویت قومی، دو مؤلفه اصلی قوم عرب انتخاب و برای هر کدام چند سنجه در نظر گرفته شده است. آداب و رسوم فرهنگی و زبان این دو مؤلفه‌اند. چون تمام جمعیت عرب خوزستان شیعه و از این نظر با عنصر دینی - مذهبی هویت ملی ایرانی همگرا هستند، این سنجه در بخش هویت ایرانی - اسلامی گنجانده شد و در این بخش در نظر گرفته نشد.

#### ۱. آداب و رسوم فرهنگی

عرب‌ها به فرهنگ و سنن خود حساسیت دارند. از مجموع پاسخگویان بیش از ۶۷ درصد با اجرای رسوم، آیین‌ها و عرف سنتی و محلی در میان مردم عرب موافق‌اند. همچنین بیش از ۵۷ درصد با استفاده مردان و زنان عرب از لباس‌های سنتی موافق

بوده‌اند. بیش از ۸۶ درصد هم گفته‌اند که به مراسم «شعرخوانی» که از آیین‌های مهم فرهنگی عرب‌های خوزستان است، علاقه‌مندند و معمولاً در آن شرکت می‌کنند. بیش از ۷۱ درصد هم در حد زیاد و خیلی زیاد به رسم و مراسم سنتی «یزله» علاقه دارند. از مجموع آمار و اطلاعات پیش گفته می‌توان به این نتیجه رسید که عرب‌های خوزستان به جنبه‌های مختلف آداب و رسوم فرهنگی خود اهمیت فراوانی قائل‌اند و هویت فرهنگی خود را کاملاً می‌شناسند.

جدول شماره ۱۶: میزان گرایش به فرهنگ قومی

جمع	اصلاً	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میزان موافقت
						گویه‌ها
۱۰۰	۱/۴	۷/۹	۱۱/۳	۲۸/۳	۴۸/۴	میزان علاقه به شرکت در مراسم شعرخوانی عربی
۱۰۰	۸/۱	۷/۹	۱۶/۴	۳۲/۴	۳۵/۲	علاقه به رسوم و آداب سنتی عربی
۱۰۰	۶/۸	۱۸	۱۷/۷	۳۱/۴	۲۶/۳	علاقه به «یزله»
۱۰۰	۹/۵	۶/۱	۱۷/۴	۳۴/۶	۳۷/۴	موافقت با استفاده زنان و مردان از لباس سنتی

## ۲. زبان محلی

زبان از ارکان مهم موجودیت هر قوم به‌شمار می‌رود و حیات فرهنگی نظام اجتماعی ارتباط نزدیکی با زبان آن دارد. عرب‌ها به این عنصر قومی ابراز علاقه زیادی کرده‌اند. ۷۷/۸ درصد پاسخ‌گویان گفته‌اند با اعضای خانواده خود خیلی زیاد و زیاد به زبان عربی خوزستانی صحبت می‌کنند. ۷۸ درصد ابراز کرده‌اند از اینکه زبان عربی مورد بی‌توجهی قرار گیرد ناراحت می‌شوند. ۷۱ درصد هم به تدریس زبان عربی در مدارس و دانشگاه‌ها تمایل نشان داده‌اند. مطابق این یافته‌ها، می‌توان به اهمیت بسیار زبان عرب‌های خوزستان در بین عرب‌های خوزستان پی برد.

جدول شماره ۱۷: میزان گرایش به زبان محلی

جمع	اصلاً	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میزان موافقت
						گویه
۱۰۰	۳/۶	۳/۴	۱۳/۲	۳۳/۶	۴۴/۲	تکلم به زبان عربی با خانواده
۱۰۰	۱/۴	۶/۵	۱۱/۴	۳۸/۴	۳۹/۶	ناراحتی از بی‌توجهی به زبان عربی
۱۰۰	۵/۵	۵/۱	۸/۴	۳۳/۸	۳۷/۲	تمایل به تدریس زبان عربی در مدارس و دانشگاه‌ها



## نتیجه

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان داده است که میزان گرایش به هویت ملی در عرب‌ها فراوان است (با میانگین  $3/7$  از  $5$ ). به شاخص‌های تعلق به سرزمین ملی بیش از  $80$  درصد از جامعه نمونه، تمایل زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند. این میزان فراوانی بالا، نشان‌دهنده اهمیت جغرافیای ایران برای جامعه عرب خوزستان است که در طی قرن‌ها زیست در کنار سایر اقوام ایرانی به آن علاقه و تعلق فراوان یافته‌اند. عرب‌های خوزستان طی سال‌های متمادی زندگی در این منطقه با سایر اقوام نیز تعامل بسیار نزدیک یافته‌اند؛ به گونه‌ای که در این شاخص از هویت ملی نیز بیش از  $77$  درصد به‌طور میانگین به اشکال گوناگون با سایر مردم خوزستان ارتباط اجتماعی فراوان دارند و مشکلی هم برای توسعه این ارتباط ندارند. در شاخص زبان ملی هم به‌طور میانگین  $67$  درصد زبان ملی را دوست دارند و در مراودات اجتماعی با آن احساس راحتی می‌کنند. در مقایسه با این سه سنجه هویت ملی، جامعه نمونه با عنصر دولت هویت ملی ناهمگرایی دارند و میزان رضایت و اعتماد آنان از خدمات دستگاه‌های اجرایی و کارآمدی مسئولان در سطح پایینی قرار دارد.  $66$  درصد از جامعه نمونه به‌طور متوسط به مسئولان و خدمات نهادهای دولتی اعتماد ندارند و در عین حال در مقایسه با سایرین احساس تبعیض می‌کنند؛  $59$  درصد «احساس نابرابری اقتصادی» دارند؛  $70$  درصد «احساس تبعیض» دارند و  $67$  درصد نیز «اعتمادی» به کارآمدی، تخصص و توانمندی مسئولان استان ندارند.

در زمینه هویت قومی نیز عرب‌های خوزستان، به هویت خود آگاهی دارد و گرایش بالایی به عناصر فرهنگی و زبان خود دارند.  $67$  درصد به‌طور میانگین طرفدار آداب، رسوم و آیین‌های فرهنگی خود هستند و  $77$  درصد هم از زبان محلی استفاده می‌کنند و به آن علاقه فراوان دارند.

از میان شاخص‌های هویت ملی شاخص سرزمین ملی با میانگین  $3/4$  بیشترین و کارآمدی دستگاه‌های اجرایی با  $2/8$  کمترین گرایش را از جانب پاسخ‌گویان داشته است. میانگین گرایش عرب‌های خوزستان به هویت قومی نیز بالاست. (میانگین  $3/63$  از  $5$ ) عرب‌های خوزستان از میان شاخص‌های هویت قومی به زبان محلی با میانگین  $3/75$  گرایش بیشتری داشته‌اند با این وصف:

۱. به نظر می‌رسد در مورد عرب‌های خوزستان هویت قومی در مقابل هویت ملی قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر هویت قومی و هویت ملی در میان عرب‌های خوزستان هر کدام سطوحی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد که عناصر و دقایق شکل‌دهنده آن‌ها

مکمل هم هستند یافته‌های پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد بین گرایش به هویت ملی و میزان گرایش به هویت قومی همبستگی بالایی ( $K=0/52, P<0/01$ ) وجود دارد. بررسی تمام شاخص‌های مؤلفه‌های هویت ملی و قومی نیز بیانگر همین سطح همبستگی است و تمایل به هویت ملی و قومی عرب‌های خوزستان هم‌راستا است.

۲. پایین بودن میزان گرایش به برخی شاخص‌های مطرح‌شده برای سنجش هویت ملی و بالا بودن گرایش به برخی عناصر فرهنگی و اجتماعی محلی را نمی‌توان با رویکردهایی تحلیل و تبیین کرد که هویت‌جویی و تعارض ذاتی سطوح هویت را منزلتی استعلایی می‌بخشند.

داده‌های آمار نشان می‌دهد مشتقات تئوری احساس محرومیت نسبی، به‌ویژه نظریه چرخه محرومیت بیشتر قابل تبیین است؛ چنان‌که رابطه متغیر درآمد اقتصادی و طبقه اجتماعی افراد و شاخص‌های متغیر هویت ملی معنادار بوده است ( $x^2=16, P=0/05$ ) به این معنا که هرچه افراد مقدار درآمد و طبقه اجتماعی خود را بالاتر بازگو کرده‌اند، میزان تمایل آن‌ها به عناصر و شاخص‌های هویت ملی نیز بهبود یافته است. این نتیجه را سنجش میزان فاصله جامعه نمونه با سایر گروه‌های ساکن خوزستان نیز تأیید کرده است.

میزان همگرایی با سطح ملی با استفاده از مقیاس فاصله‌ای بوگاردوس نیز نشان داده است که جامعه نمونه مورد بررسی با سایر گروه‌ها فاصله اجتماعی ندارند و نمره نهایی و کلی ۳۲۰/۸۷ جامعه نمونه به شش گویه مطرح‌شده نشان‌دهنده آمادگی فراوان عرب‌ها برای برقراری ارتباط با سایر گروه‌هاست.

این نتایج با وضعیت شاخص‌های اقتصادی خوزستان که پس از جنگ هشت‌ساله سیر نزولی داشته نیز مطابقت دارد. خوزستان در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه، از رتبه دوم در سال ۱۳۵۶ به رتبه ۱۵ در سال ۱۳۷۵ تنزل یافته است. در این شرایط، جامعه عرب خوزستان خود را از نظر میزان بهره‌مندی از منابع و امکانات با دیگران (داخلی و خارجی) مقایسه کرده است و فعالیت نخبگان قومی نیز در تشدید این احساس محرومیت به‌عنوان مکمل عمل کرده است. طبیعی است در این زمینه، نقش دولت در ایجاد زیرساخت‌های توسعه در استانی که هشت‌سال درگیر جنگ بوده مهم است و این شرایط مسئولیت دولت و برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی و اجتماعی را برای تأمین «خواسته‌ها» و «انتظارات» مردم این استان نشان می‌دهد و این خود مداخله مؤثر دولت برای متوقف کردن چرخه محرومیت را ضروری می‌سازد.

**یادداشت‌ها**

۱. خوزستان در نود سال گذشته سه بار دچار چالش‌های واگرایانه و ناآرامی‌های قومی شده است: غائله شیخ خزعل (پایان ۱۳۰۳)، پدیده خلق عرب (۱۳۵۸).
۲. عبدالامیر نبوی در پژوهشی باعنوان «خوزستان و چالش‌های واگرایانه» با رویکردی تاریخی و توصیفی به تحولات قومی خوزستان پرداخته است (بنگرید به احمدی، حمید، ایران، هویت، ملیت و قومیت، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳، صص ۵۳۰-۴۸۷).
۳. برخی افراد که عمدتاً نیروهای قوم‌گرای عرب‌اند، جمعیت عرب‌های خوزستان را بسیار بیشتر از این ذکر کرده‌اند؛ برای مثال یوسف عزیزی بنی طرف از فعالان مسائل قومی عرب‌های خوزستان در مصاحبه‌ای با شبکه الجزیره جمعیت عرب‌های ایران را ۵ میلیون نفر، یعنی حدود هفت درصد جمعیت کشور یاد کرده است. این میزان یک میلیون بیشتر از کل جمعیت استان خوزستان است. (ر.ک: نبوی، سید عبدالامیر، خوزستان و چالش‌های قوم‌گرایانه؛ در کتاب: احمدی، حمید، ایران، هویت، ملیت و قومیت، ص ۵۱۳).
- در مورد پژوهش‌های میدانی نیز بنگرید به: تقی، آزادارمکی، و علی غیاثوند، *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی ایرانیان*، ۱۳۸۳؛ رضایی، عبدالعلی، *یافته‌های پیمایش طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، ۱۳۸۱؛ ملک‌پور، علی، تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران، ۱۳۸۱.
۴. این حجم نمونه با اطمینان ۹۵ درصد با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه Krejcie & Morgan تعیین و تأیید شده است.
۵. در روش‌های آماری و استفاده از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده‌ها محمد فرارویی این جانب را کمک کردند. لازم است از ایشان صمیمانه قدردانی نمایم.

## منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۸): *قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت*؛ تهران: نشرنی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳): «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، *ایران، هویت، ملیت و قومیت*؛ به کوشش حمید احمدی؛ تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۱۷۰-۱۳۳.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷): «قومیت و امنیت»، ترجمه حسن شفیعی؛ *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ پیش‌شماره دوم، صص ۲۳۳-۲۰۷.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۱): «رویکردهای مطالعات قومی»، *جامعه*؛ ش ۲۱، صص ۴۷-۳۳.
- اوزکریملی، اوغوت (۱۳۸۳): *نظریه‌های ناسیونالیسم*؛ ترجمه محمدعلی قاسمی؛ تهران: مؤسسه مطالعات ملی - تمدن ایرانی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۵): «انسان ایرانی، سیاست و آینده‌شناسی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۱، ش ۲، صص ۱۰۷-۵۵.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۰): «الگوی سیاست قومی در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ س ۴، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۱۳۸-۱۱۹.
- رضایی احمد، و محمداسماعیل ریاحی و نورمحمد سخاوتی‌فر (۱۳۸۶): «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*؛ س ۸، ش ۴، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶): *توسعه و تضاد*؛ تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زاهد، سعید (۱۳۸۴): «هویت ملی ایرانیان»، *فصلنامه راهبردی یاس*؛ ش ۴، صص ۱۴۹-۱۳۱.
- سیادت، موسی (۱۳۷۴): *تاریخ و جغرافیای عرب خوزستان*؛ تهران: مؤسسه چاپ و نشر آذران.
- سیادت، موسی (۱۳۷۹): *تاریخ خوزستان از افشاریه تا دوران معاصر*؛ ج ۲، قم: دفتر خدمات چاپ و نشر عصر جدید.
- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵): *مدیریت منازعات قومی در ایران*؛ تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- کسروی، احمد (۱۳۳۵): *شهریاران گمنام*؛ ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰): *تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها*؛ تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- نبوی، سیدعبدالمیر (۱۳۸۳): «خوزستان و چالش‌های قوم‌گرایانه»، *ایران، هویت، ملیت و قومیت*؛ به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۵۳۰-۴۸۷.
- Hechter, Michel (1986); "Theories of Ethnic Relation" in *John Stack, Ethnicity in the Contemporary World*; New York: Green Wood Press.